



تازه‌ای در روابط ایران و روم پدید آورد. مسیحیان ایران که مخصوصاً در نواحی مجاور سرحد روم فراوان بودند هواخواه دولت روم شدند و در برابر مقامات ایرانی به گردنکشی پرداختند. از اینجا تعقیب و آزار مسیحیان در ایران آغاز شد و تا هنگام مرگ شاپور ادامه یافت.

در زمان شاپور ذوالاکتاف ایران به اوج قدرت خود رسید. اما جانشینانش اردشیر دوم، شاپور سوم، و بهرام چهارم شاهان توانایی نبودند. در زمان شاپور سوم ارمنستان بین ایران و روم قسمت شد. پس از بهرام چهارم یزدگرد اول به سلطنت نشست و در زمان او جنگ میان ایران و روم موقتاً متوقف شد و مسیحیان ایران تا حدی آزادی دینی یافتند. در زمان پسر و جانشین یزدگرد اول، بهرام گور، جنگ با رومیان از نو آغاز شد. هیاطله یا هفتالیان از جانب شرق بنای تاخت و تاز به مرزهای ایران گذاشتند، اما بهرام آنان را به جای خودشان نشاند. بسیار محبوب مردم بود و نسبت به همه خیرخواهی می‌کرد. بسیار چابک بود و به شکار علاقه فراوان داشت. نقشهای وی در جنگ و شکار اغلب زیور پرده‌های نقاشی و قالیه‌های ایرانی است. جانشینش یزدگرد دوم با رومیان صلح کرد. در زمان او تاخت و تاز و جنگ با هیاطله ادامه یافت. وی کوشید تا آیین زرتشتی را جبراً در ارمنستان رواج دهد، و آزار

مسیحیان را به شدت دنبال کرد.

بعد از یزدگرد دوم به ترتیب پسر کوچکش هرمز سوم، پسر بزرگش پیروز اول، بلاش، و قباد اول به سلطنت نشستند. قباد از مزدک که دینی نو آورده بود پشتیبانی کرد، و همین موجب شورش بزرگان و موبدان ایران و خلع او از سلطنت شد، و برادرش جاماسب به تخت نشست. قباد به کمک هیاطله به سلطنت بازگشت، اما این بار از پشتیبانی مزدک دست کشید. در دوره قباد ایران با روم گاه در جنگ و گاه در صلح بود. قباد هیاطله را شکست داد.

پس از قباد اول پسرش خسرو انوشیروان به سلطنت نشست. سلطنت وی یکی از درخشانترین دوره‌های ساسانی و تمدن ساسانی است. در زمان او مزدک و مزدکیان قتل‌عام شدند، و در سازمان اداری و امور مالی اصلاحاتی به عمل آمد. بین ایران و روم جنگ در گرفت، ولی عاقبت دو دولت در سال ۵۴۵ با یکدیگر صلح کردند. در زمان انوشیروان شاهنشاهی ساسانی از رود سند تا دریای احمر گسترش یافت و قسمتهای وسیعی از آسیای صغیر تحت استیلای او درآمد، و نفوذ دولت ساسانی تا یمن بسط داشت (رجوع شود به خسرو انوشیروان).

پس از خسرو انوشیروان هرمز چهارم به سلطنت نشست. در زمان او جنگ با رومیان آغاز شد و دوبار به شکست ایران انجامید. قبایل عرب و اقوام ترک و خزر به مرزهای ایران تاختند. اما دلیری سردار بزرگ ایرانی، بهرام چوبین، کارها را به سامان باز آورد. با همه اینها، هرمز به طرز موهنی او را از سرداری خلع کرد. همین امر سبب شورش بهرام و خلع و قتل هرمز و به تخت نشستن خسرو پرویز شد.

در زمان خسرو پرویز شاهنشاهی ساسانی به اوج عظمت خود رسید و مرزهای کشور تا سرحد مرزهای ایران در زمان داریوش بزرگ گسترش یافت، اما این عظمت چندان دوامی نیافت و کاخ شاهنشاهی ایران یکباره فرو ریخت. ایران پی در پی از روم شکست خورد، ارتش طغیان کرد، خسرو پرویز به قتل رسید، و پسر نالایقش شیرویه به نام قباد دوم به تخت نشست. پس از قباد دوم هرج و مرج بر سر کشور سایه افکند. اوضاع دوران آشفته بعد از

مرگ اردشیر سوم روشن نیست و در تاریخ از اشخاص مختلفی که در این دوره سلطنت داشته‌اند نام برده شده است. عاقبت در سال ۶۳۲ یزدگرد سوم زمام امور پریشان کشور را به دست گرفت، اما پیش از آنکه به اوضاع آشفته کشور سر و سامانی دهد سیل قبایل عرب، زیر لوای اسلام، به ایران سرازیر شد و شاهنشاهی ایران، با کشته شدن یزدگرد در سال ۶۵۱ میلادی سقوط کرد. در زیر نام شاهنشاهان سلسله ساسانی آمده است:

نام	دوره سلطنت (سال میلادی)
اردشیر بابکان	۲۲۶ - ۲۴۱
شاپور اول	۲۴۱ - ۲۷۲
هرمز اول	۲۷۲ - ۲۷۳
بهرام اول	۲۷۳ - ۲۷۶ یا ۲۷۷
بهرام دوم	۲۷۶ یا ۲۷۷ - ۲۹۳
بهرام سوم	۲۹۳ (حدود ۴ ماه)
نرسی	۲۹۳ - ۳۰۲ یا ۳۰۳
هرمز دوم	۳۰۲ یا ۳۰۳ - ۳۰۹ یا ۳۱۰
آخر نرسی	۳۱۰
شاپور دوم	۳۱۰ - ۳۷۹
اردشیر دوم	۳۷۹ - ۳۸۳
شاپور سوم	۳۸۳ - ۳۸۸
بهرام چهارم	۳۸۸ - ۳۹۹
یزدگرد اول	۳۹۹ - ۴۲۰ یا ۴۲۱
بهرام پنجم (گور)	۴۲۰ یا ۴۲۱ - ۴۳۸ یا ۴۳۹
یزدگرد دوم	۴۳۸ یا ۴۳۹ - ۴۵۷
هرمز سوم	۴۵۷ - ۴۵۹
پیروز اول	۴۵۹ - ۴۸۴
بلاش	۴۸۴ - ۴۸۸
قباد اول	۴۸۸ - ۴۹۶ و ۴۹۸ - ۵۳۱
جاماسب	۴۹۶ - ۴۹۸
حسرو انوشروان	۵۳۱ - ۵۷۹
هرمز چهارم	۵۷۹ - ۵۹۰
حسرو پرویز	۵۹۰ - ۶۲۸
قباد دوم	۶۲۸ حدود ۶ ماه
اردشیر سوم	حدود ۶۲۹ - ۶۳۰
دوران آشفتگی	۶۳۰ - ۶۳۲
یزدگرد سوم	۶۳۲ - ۶۵۱

تمدن ساسانی. عناصر برجسته تمدن ساسانی اینها بوده است: دین، ادبیات، تشکیلات اداری و درباری، سازمان لشکری و مالی، هنر و صنایع، و تجارت.

۱ - شاهنشاهی و تشکیلات اداری. در رأس تمام تشکیلات مملکتی و طبقات اجتماعی شخص شاهنشاه قرار داشت که نماینده اهورمزدا بود. شاهنشاه قادر مطلق بود و افراد وی او را قویترین و خردمندترین مردم می‌شمردند. با همه اینها، قدرت سلطنت محدود به حدودی بود ناشی از تصوراتی که از جنبه دینی درباره مقام سلطنت رواج داشت. از جمله اینکه اگر شاهنشاه از رأی موبدان سرپیچی کند لیاقت سلطنت نخواهد داشت.

رئیس تشکیلات مرکزی صدراعظم یا وزیر بزرگ بود که **وُزُرگ فرمُدار** نام داشت. امور مملکتی را اداراتی به نام **دیوان** به عهده داشتند.

ساسانیان روش قدیمی تقسیم کشور را به چهار قسمت محفوظ داشتند. حکام این قسمتها مسلماً از آغاز قرن پنجم عنوان مرزبان داشتند که به آنان پادگوسپان می‌گفتند. مرزبانانی در رتبه پایینتر بر ایالتهای داخلی حکومت می‌کردند. ایالتها به اجزایی به نام استان منقسم بود.

۲ - سازمان و اوضاع اجتماعی. سازمان اجتماعی عهد ساسانی و ترتیب طبقات پیچیده و تاریک است. از طرفی تشکیلاتی مبتنی بر چهار طبقه وجود داشت که عبارت بودند از روحانیان، جنگیان (ارتشتاران)، مستخدمین ادارات (دیران)، و توده مردم؛ از طرف دیگر تقسیم از بقایای عهد اشکانی و ظاهراً ناظر به طبقات ممتاز وجود داشت و مشتمل بود بر شهرداران (شهریار)، ویس پوهران، وزرگان (بزرگان)، و آزادان. شهرداران افراد طبقه اول نجبا بودند و لقب شاهی داشتند. ویس پوهران خاندانهای هفتگانه مقتدر رؤسای طوایف بودند. وزرگان صاحبمنصبان عالیرتبه دولت و آزادان از نجبای طبقه دوم بودند. در تقسیمات طبقاتی دوره ساسانی ورود از طبقه‌ای به طبقه دیگر عملاً غیر ممکن بود.

نظام اجتماعی عهد ساسانیان بر طبق قوانین مدنی مفصلی اداره می‌شد. این قوانین مبتنی بر احکام زرد و اوستا بود. معمولاً پدر خانواده صاحب اختیار همه خانواده



سربازان سوار و پیاده عهد ساسانی

می گفتند که فرماندهی آنان برگندسالار بود. واحدهای کوچکتر به ترتیب درفش و وشت نامیده می شد. در جنگ های بزرگ، که شاهنشاه شخصاً فرماندهی داشت، در وسط لشکر تخت بسیار بزرگی برای او نصب می کردند. ایرانیان فنون قلعه ستانی را از رومیان فرا گرفتند و از منجنیق و سایر وسایل برای محاصره استفاده می کردند. ستورپزشك (دامپزشك) از اشخاص مهم لشکری به شمار می رفت.

تا زمان انوشروان، سپاه ایران تحت فرمان يك سردار با عنوان ایران سپاهبند، بود. انوشروان طرز فرماندهی را تغییر داد، و چهار سپاهبند، هر يك در يك ربع کشور، به ریاست دائمی سپاه منصوب کرد. پرچم ملی عهد ساسانی درفش کاویانی بود.

۵ - داه گستری. پادشاهان ایران از زمان هخامنشیان مراقب حسن جریان امور قضایی بودند. ظاهراً شاهان ساسانی سالی دو بار، در عید نوروز و عید مهرگان، بار عام می دادند و به شکایات مردم می رسیدند. سه گونه جرم مجازات داشت: جرم دینی، جرم سیاسی، و جرم نسبت به «برادران دنیا» (از قبیل دزدی، هتك ناموس، راهزنی، و غیره). مجازات دو جرم اول در قرنهای اول عهد ساسانی اعدام فوری بود و جرمهای نوع سوم را با مجازاتهای سخت و اعدام کیفر می دادند. در زمان خسرو انوشروان مجازاتها تا حدی سبک شد.

بود. اصل تعدد زوجات، یعنی داشتن چند زوجه، اساس تشکیل خانواده به شمار می رفت. اهتمام در پاکی نسب و خون خانواده یکی از صفات بارز خانواده ایرانی شمرده می شد، تا حدی که ازدواج با محارم را جایز می شمردند. از جشنهای سالانه معروف ساسانیان مهرگان، سده، و نوروز را می توان نام برد.

۳ - مالیه. عایدات دولت ساسانی عمدتاً از راه خراج یا مالیات ارضی و جزیه (گزیت) یا مالیات سرانه تأمین می شد. تا زمان خسرو انوشروان وصول مالیات ارضی زحمات و خسارتهایی برای مؤدیان مالیاتی فراهم می کرد و برای دولت هم چندان فایده ای نداشت، تا به امر خسرو انوشروان اراضی مزروع اندازه گیری و ممیزی شد، و توزیع مالیات ارضی بر آن اساس قرار گرفت. در مالیات سرانه نیز در زمان انوشروان اصلاحاتی به عمل آمد. رئیس مالیات ارضی، که وصول مالیات سرانه را نیز به عهده داشت، در واقع وزیر مالیه، کشاورزی، صناعت، و تجارت به شمار می رفت.

علاوه بر این در آمد، غنایم جنگی، هدایایی که در جشنها و اعیاد مردم توانگر تقدیم می کردند، و نیز عایدات معادن طلا و غیره از دیگر درآمدهای دولت محسوب می شد. پول رایج دژهم بود.

۴ - تشکیلات نظامی. در تشکیلات لشکری عهد ساسانیان، عالترین لقب لشکری آرگبند بود. این لقب مخصوص خانواده سلطنتی بود. دو منصب لشکری دیگر، ریاست امور سپاه و فرماندهی سوار نظام، نیز به دو خاندان از خاندانهای بزرگ تعلق داشت. نخبه سپاه عهد ساسانی اسواران (سوار نظام) بودند. اسواران زره پوش ایرانی، که نقابی بر صورت می افکندند، با صفهایی چنان انبوه به مقابله با دشمن می رفتند که از برق زره و سلاح آنان چشم خیره می شد. ساسانیان نیز، مانند هخامنشیان، هنگی از اسواران برگزیده ترتیب داده بودند که جاودانان خوانده می شدند. در پشت سر سوار نظام فیلهها قرار داشتند که بو و منظره وحشت آور آنها اسبهای دشمن را می ترسانید. پشت سوار نظام و فیلهها پیاده نظام یا پایمان قرار داشت که فرمانده آنها را پایگان سالار می گفتند. واحدهای بزرگ سپاه را گند

۶ - تجارت و صنایع. در دوره ساسانیان تجارت رونق داشت. شاهراه بزرگ تجارتي از تیسفون آغاز می‌شد و از طریق حلوان و کنگاور به همدان می‌رسید. در همدان راه‌های مختلف انشعاب می‌یافت: یکی به سمت جنوب می‌رفت و به خلیج فارس منتهی می‌شد، دیگری به ری می‌رفت و از آنجا به دریای خزر مرتبط می‌شد یا از راه خراسان و دره کابل به هندوستان اتصال می‌یافت، راهی هم از ترکستان به چین می‌رسید. تجارت دریایی نیز تا حدی اهمیت داشت. مهمترین کالاهایی که از چین به ایران می‌آمد ابریشم بود. از کالاهایی که از ایران به چین می‌رفت و سمه‌های ایرانی، قالب‌های بابلی، سنگ‌های قیمتی، منسوجات، و مواد مخدر بود.

تشکیلات پست در عهد ساسانی همان تشکیلات عهد هخامنشی بود.

۷ - هنر و معماری. در زمینه معماری و حجاری، دوره ساسانیان را باید دوران احیای هنر بومی و ملی شمرد. در این عهد، شیوه‌های یونانی تا حدی کنار گذاشته شد، و هنر به سبک دوره هخامنشی بازگشت، و تحولاتی نیز همراه داشت.

۸ - ادب و فرهنگ. زبان رسمی ایرانیان در دوره ساسانیان زبان پهلوی بود. از این زبان آثار ادبی چندی، که جنبه دینی دارد، به جا مانده است. در قرن آخر عهد ساسانی، تعدادی کتاب اخلاقی به نام اندرزنامه یا پندنامه نوشته شده است. رساله‌هایی از این نوع که فعلاً باقی است بعد از انقراض ساسانیان تألیف شده است. آثار دیگر ادب پهلوی مشتمل است بر داستانهای تاریخی (مانند کارنامه اردشیر بابکان)، و غیره.

عصر بزرگ تمدن ادبی و فلسفی ایران با سلطنت خسرو انوشروان آغاز می‌شود. در زمان او رومیان آکادمی آتن را تعطیل کردند و به حکمای یونان جور و ستم وارد آوردند. بدین جهت هفت تن از فیلسوفان یونان به تیسفون پناه آوردند و مورد عنایت و حمایت انوشروان واقع شدند. بدین ترتیب فرهنگ یونانی در ایران از نو زنده شد. نیز در عهد انوشروان فرهنگ هندی به ایران راه یافت، و به نقل روایات، شطرنج در عصر او از هند به ایران وارد شد.

از علومی که در ایران اهمیت داشت طب و نجوم بود. در قرن پنجم مدارس عیسوی تشکیل شد که در آنها طب یونانی تدریس می‌شد. مشهورترین آنها مدرسه طب جندیشاپور است که پس از انقراض ساسانیان نیز باقی ماند. در عهد ساسانیان ایرانیان با نجوم یونانی و هندی آشنا شدند. زیچ شهریار ظاهراً در زمان انوشروان تألیف یا تصحیح شده است.

۹ - دین. ساسانیان دین زرتشتی را مذهب رسمی ایران قرار دادند. مظهر اصلی این دین آتش بود که باید در هر خانواده، هر ده، و هر بلوک فروزان نگاه داشته شود. سه آتشکده آذر فرنبغ (در فارس)، آذر برزین مهر (در خراسان)، و آذر گشسب (در آذربایجان) به خصوص اهمیت فراوان داشت. اما آیین زرتشتی زمان ساسانیان دیگر مانند گذشته صورت یگانه‌پرستی نداشت؛ خدایان یا ایزدان دیگر، چون مهر و ناهید، نیز در جرگه خدایان دین مزداستی وارد شده بودند. دینهای غیر ایرانی چون کیش بودایی، مسیحی، و یهودی نیز در ایران پیروان زیاد داشت.

ریاست عالی همه امور روحانی با موبدان موبد بود. روحانیون با دخالت در امور عرفی این امور را جنبه مقدس می‌دادند. در جمیع امور زندگی حق مداخله داشتند. و مردم عموماً آنان را مقدس و محترم می‌شمردند. روحانیان (مغان) از راه جریمه‌های دینی و صدقات و غیره ثروت فراوان به دست می‌آوردند و همین سبب اقتدار بیشتر آنان بود.

روحانیان زرتشتی نسبت به دینهای دیگر بسیار متعصب بودند و هیچ دینی را در داخل کشور تجویز نمی‌کردند، ولی این تعصب بیشتر مبتنی بر علل سیاسی بود. دین زرتشت دیانت تبلیغی نبود، و رؤسای آن در فکر نجات و رستگاری همه انبای بشر نبودند، اما در داخل کشور مدعی تسلط مطلق بودند. این امر مشکلات مهمی، خصوصاً در مورد مسیحیان پیش آورد. تا زمانی که دولت امپراطوری روم دیانت رسمی نداشت، عیسویان ایرانی نسبتاً در آرامش می‌زیستند، اما پس از آنکه امپراطور روم به دین مسیح گروید، وضع تغییر کرد. عیسویان ایران مجذوب و فریفته

دولت مقتدری شدند که همکیش آنان بود. بدین ترتیب آزار عیسویان در ایران آغاز شد و مسیحیان دچار آزار و شکنجه شدند، و همین امر یکی از عوامل محرک جنگهای ایران و روم شد.

۱۰ - ابنیه و آثار و شهرها. آثار مهمی که از دوره امپراطوری ساسانی کشف شده است نشان می دهد که نخستین پادشاهان ساسانی استخر را کرسی دودمان خود قرار دادند. شاهنشاهان ساسانی تا نرسی در حوالی استخر و تخت جمشید نقشها و کتیبههایی به جا گذاشته اند. اردشیر دوم و جانشینانش محلی نزدیکتر به تیسفون اختیار کردند که امروز معروف به طاق بستان است. از جمله کتیبههای عهد ساسانی اینهاست: کتیبه اردشیر بابکان در نقش رستم؛ کتیبههای شاپور اول در نقش رجب، حاجی آباد، شاپور، و کعبه زرتشت (نقش رستم)؛ کتیبه نرسی در پسایکولی؛ کتیبههایی از شاپور دوم در طاق بستان و در تخت جمشید. در ناحیه بابل کاوشهای علمی حاکمی بر آن است که در عهد ساسانی سرزمین میان دجله و فرات به وسیله نهرها و ترعههایی کاملاً آبیاری می شده و حاصلخیز بوده است؛ در سراسر این ناحیه شهرهایی وجود داشته است. شهرهایی که الفاظ شاپور (شاهپور) و اردشیر در جزو نام آنها می آید می رساند که بسیاری از شاهنشاهان ساسانی به ساختن شهرها اهتمام داشته اند.

سامانیان يك سلسله از پادشاهان ایرانی مستقل، که از حدود ۲۶۱ هجری قمری تا ۳۸۹ هجری قمری در ماوراءالنهر و خراسان حکومت کردند، سامانیان بودند. اجداد این سلسله به بهرام چوبین نسب می رساندند. نخستین پادشاه این سلسله نصر ابن احمد سامانی است. بقیه امرای این سلسله به ترتیب عبارتند از اسماعیل سامانی، نصر دوم، نوح اول، عبدالملک اول، منصور اول، نوح دوم، منصور دوم، عبدالملک دوم.

قلمرو سامانیان، در دوره عظمت و قدرتشان، گذشته از ماوراءالنهر، شامل خراسان و گرگان و طبرستان و ری و حتی سیستان و بلخ نیز می شد. اکثر امرای این سلسله با قوانین و رموز ملکداری و جهانبانی آشنا بودند، و با

پیروان دینهای مختلف، که در مملکتی چون ماوراءالنهر فراوان بودند، با مسامحه و صلحجویی می گذرانند. در زمان سلطنت این سلسله، بخارا یکی از مراکز مهم ادب و علم و تمدن بود، و عده زیادی از فضلا و علما در آنجا به سر می بردند. شاهان این سلسله دانشمندان را بسیار محترم می شمردند؛ به شعر و ادب بسیار توجه داشتند و در دربار آنان شاعران بزرگ مانند رودکی، شهید بلخی، دقیقی و کسائی مروزی ظهور کردند.

استخدام ترکان از طرف شاهان سامانی و تسلط آنها در کارها موجب شد که سلسله سامانیان رفته رفته ضعیف شود و عاقبت به دست آنان سقوط کند.

سپاه بهداشت توفیق عظیمی که در اجرای طرح سپاه دانش به دست آمد موجب شد که پیدایش طرح سپاه بهداشت به وجود آید.

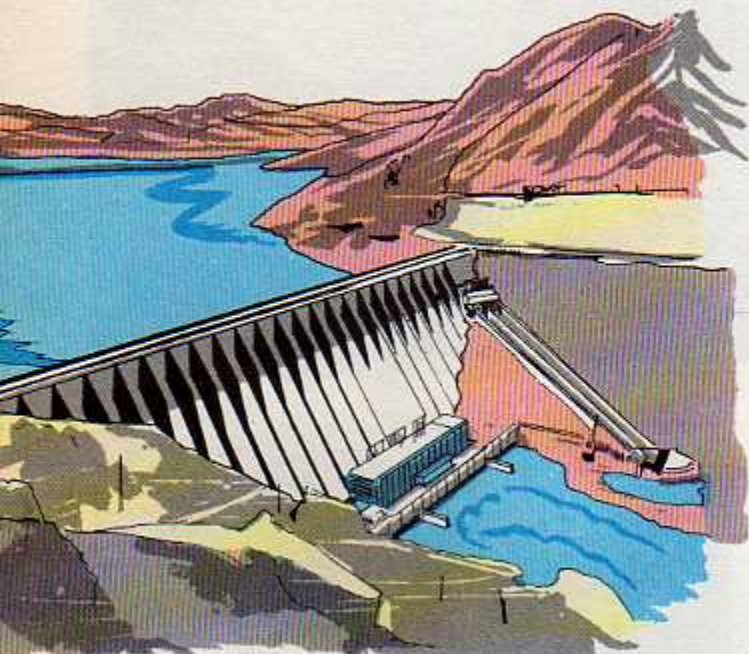
طرح سپاه بهداشت برای گسترش سلامت جسمی و بهداشت عمومی مردمان کشور است. به موجب این طرح پزشکان، لیسانسها، و فارغ التحصیلان متوسطه، به صورت گروههای سیار در نقاطی از کشور به خدمت مشغول می شوند که از این امکانات محروم هستند. فرمان تشکیل سپاه بهداشت در بهمن ماه سال ۱۳۴۲ از طرف شاهنشاه آریامهر صادر شد. (رجوع شود به سپاه دانش).

سپاه ترویج و آبادانی طبق فرمانی که در اول مهر ۱۳۴۳ از طرف شاهنشاه آریامهر صادر شد، سپاه ترویج و آبادانی سومین سپاه انقلاب ایران را تشکیل داد. هدف از تشکیل این سپاه تکمیل برنامههای بود که با انجام دادن اصلاحات ارضی آغاز شده بود.

با اجرای اصلاحات ارضی، لازم بود که تحول اساسی و عمیقی در طرز کشاورزی ایران به عمل آید، کشاورزی از صورت ابتدایی به صورت مکانیزه و کاملاً نوین در آید، روستاها نوسازی شوند و با شاهرههای کشور ارتباط یابند، نیروی برق به تمام روستاها راه یابد، اطلاعات فنی کشاورزان روز به روز بیشتر شود تا بتوانند اصول جدید کشاورزی را به کار برند.

دانش به وزارت آموزش و پرورش مأمور می‌شوند. خدمت آنان در سپاه دانش جزو خدمت نظام وظیفه عمومی آنها محسوب می‌شود. نخستین دوره سپاهیان دانش مشتمل بر ۲۵۰۰ سپاهی بود که در اردیبهشت ۱۳۴۲ به محل‌های خدمت آموزگاری فرستاده شدند. (رجوع شود به پیکار با بیسوادی، کمیته ملی؛ لوایح ششگانه.)

سد سفیدرود یکی از سدهای بزرگ ایران، که در منجیل بر سفیدرود ساخته شده، سد سفیدرود است. ارتفاع این سد حدود ۱۰۸ متر است، و یکی از بلندترین سدهای دنیاست. مخزن یا دریاچه سد سفیدرود از منجیل آغاز می‌شود و در بستر بزرگ دورودخانه قزل اوزن و شاهرود امتداد دارد.



مساحت دریاچه ۵۶۰۰ هکتار و گنجایش آن ۱۸۰۰ میلیون متر مکعب است.

تأسیسات نیروی برق سد سفیدرود برای تأمین برق گیلان و دشت قزوین و کمک به برق تهران است.

ساختمان سد سفیدرود در اواخر ۱۳۳۳ شمسی آغاز شد و در بهمن ۱۳۴۰ پایان یافت. در اردیبهشت ۱۳۴۱ شاهنشاه آریامهر با حضور علیاحضرت شهبانو فرح پهلوی سد را افتتاح کردند.

اداره امور سد و تأسیسات مربوط بر عهده «سازمان آب و برق منطقه سفیدرود» است که در آذر ماه ۱۳۳۹ تأسیس شد.

برای تحقق دادن به این تحول، «سپاه ترویج و آبادانی» تشکیل شد که افراد آن وظایفی مشابه با وظایف افراد سپاه دانش و سپاه بهداشت دارند، و عمران و آبادی اصول پیشرفته و مترقی کشاورزی و طرز تفکر نوین اجتماعی را همراه خود به دهات می‌برند.

قانون تشکیل سپاه ترویج و آبادانی از ۲۸ دی ۱۳۴۳ به مورد اجرا گذاشته شد. نخستین دوره سپاهیان ترویج و آبادانی شامل قریب ۵۰۰ تن لیسانسیه و دیپلمه بود. تا سال ۱۳۴۵ جمعاً قریب ۲۰۰۰ سپاهی ترویج و آبادانی به روستاهای مختلف کشور رفته‌اند. (رجوع شود به سپاه بهداشت؛ سپاه دانش.)

سپاه دانش یکی از لایحه‌های لوایح ششگانه، که در ۶ بهمن ۱۳۴۱ به تصویب عمومی ملت گذارده شد، لایحه ایجاد سپاه دانش است. سپاه دانش سازمانی است در دستگاه فرهنگی ایران که هدفش گسترش تعلیمات ابتدایی در آبادیهای کشور است. افراد این سپاه عبارتند از فارغ‌التحصیلان دوره کامل متوسطه، که به صورت «صنف تعلیم‌دهنده» به نقاط مختلف کشور فرستاده می‌شوند.

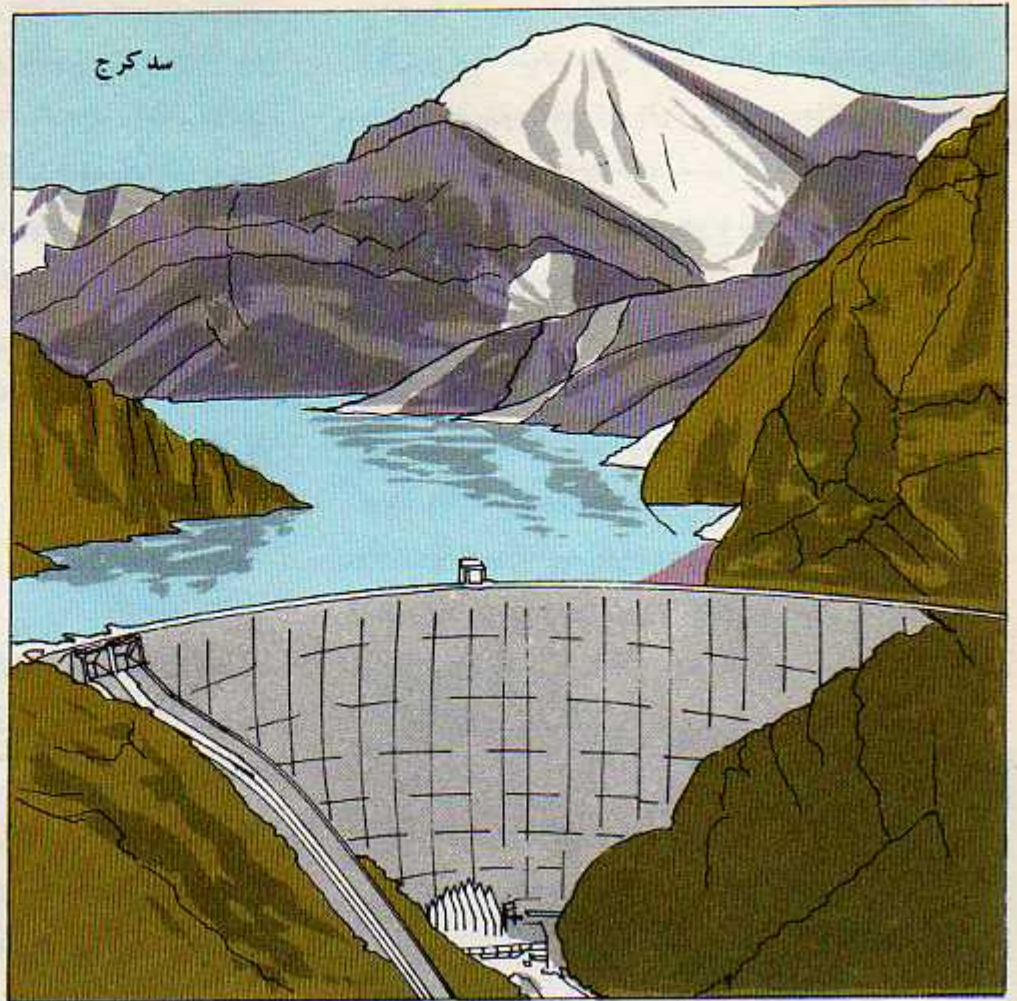
افراد سپاه دانش، پس از گذراندن يك دوره ۴ ماهه در مرکزهای آموزشی ارتش، در صورت توفیق یافتن در امتحانات مربوط، با درجه گروهبانی برای خدمت در سپاه

یک سپاهی در حال تدریس



سد کرج سد کرج در تنگه واریان، در ۶۳ کیلومتری شمال غربی تهران و ۲۳ کیلومتری راه کرج - چالوس، واقع شده است. ساختمان این سد در آبان ۱۳۴۰ پایان یافت و مراسم گشایش آن در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شهبانوی ایران برگزار شد.

سد کرج به ارتفاع ۱۸۳ متر، یکی از بلندترین سدهای جهان است. سطح مخزن، یا دریاچه سد، ۴ کیلومتر مربع و گنجایش دریاچه آن ۲۰۵ میلیون متر مکعب است. تأسیسات سد، خصوصاً از نظر شبکه و آبیاری و برق، در سال ۱۳۴۵ پایان یافت.

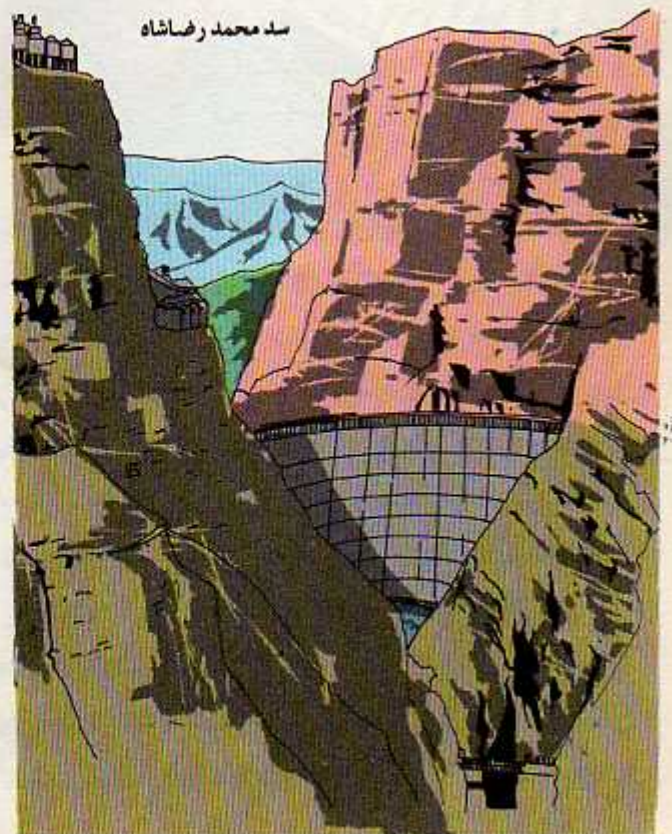


سد محمد رضا شاه پهلوی این سد ششمین سد مرتفع جهان و بلندترین سد خاورمیانه است. این سد بر رود دز در ۲۵ کیلومتری شمال شهر دزفول ساخته شده و ارتفاعش ۲۰۳ متر است. طول مخزن، یا دریاچه این سد ۶۰ کیلومتر و گنجایش آن $۳\frac{1}{۲}$ بلیون متر مکعب است.

در ۲۳ اسفند ۱۳۴۱ شاهنشاه آریامهر این سد را افتتاح فرمودند.

آب دریاچه سد محمد رضا شاه پهلوی دشتهای حاصلخیز میان اندیشک و هفت تپه را در خوزستان آبیاری می کند.

سد آباد، پیمان در ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۶ هجری شمسی پیمانی مشتمل بر ۱۰ ماده بین دولتهای ایران، افغانستان، ترکیه، و عراق در کاخ سلطنتی سعدآباد به امضا رسید که به پیمان سعدآباد معروف است. این پیمان در اسفند ماه همان سال به تصویب مجلس شورای ملی رسید. به موجب این پیمان



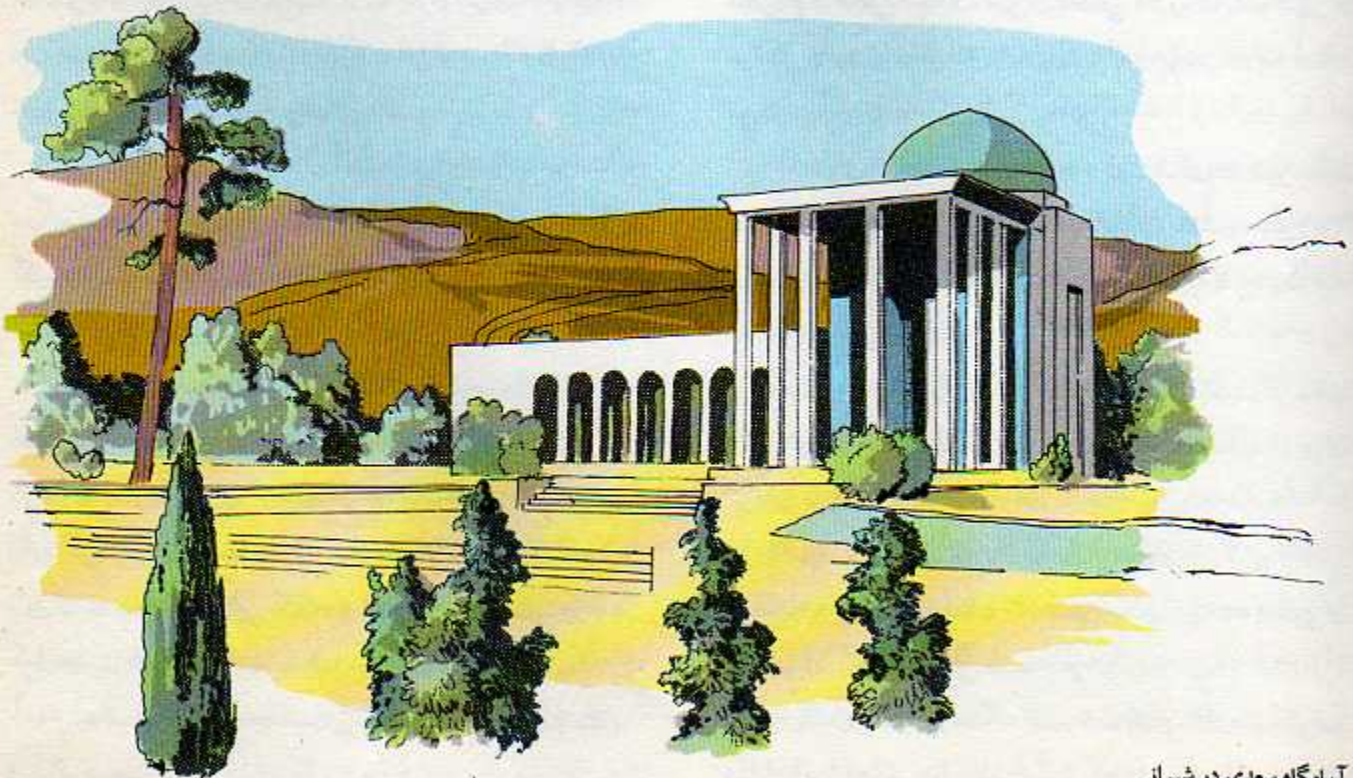
دولتهای امضاکننده متعهد شدند که سیاست عدم مداخله مطلق را در امور داخلی یکدیگر تعقیب کنند، مصونیت مشترک یکدیگر را محترم شمرند، و در هیچ مورد به تجاوز بر علیه یکدیگر قیام نکنند.

سعدی یکی از شعرا و نویسندگان بزرگ ایران ابوعبدالله مشرف ابن مصلح یا مشرفالدین ابن مصلحالدین، مشهور به سعدی بوده است. سعدی حدود ۶۰۰-۶۹۱ یا ۶۹۴ هجری قمری می‌زیسته است. در شیراز ولادت یافت و در کودکی پدر خود را از دست داد. در جوانی از شیراز بیرون آمد و به بغداد رفت و در آنجا به تکمیل معلومات پرداخت. سپس از بغداد به شام و حجاز رفت. در عهد سلطنت اتابک ابوبکر ابن سعد به شیراز باز آمد. بوستان و گلستان را به نام این اتابک و به نام پسرش سعد ابن ابوبکر تألیف کرد. دگر بار از شیراز به بغداد و حجاز رفت و در بازگشت از این سفر به آذربایجان رفت. در بازگشت به شیراز گوشه‌گیر شد و به ریاضت پرداخت. آثار این شاعر شهر گوناگون و فراوان است و همه آنها تحت عنوان کلیات سعدی گردآوری و تدوین شده است. قدیمترین چاپ موجود کلیات سعدی در کلکته به سال ۱۷۹۱

و سال ۱۷۹۵ میلادی انتشار یافته است. خاورشناسان اروپایی گلستان و بوستان را به زبان لاتینی و دیگر زبانهای فرنگی ترجمه کرده‌اند. آرامگاه سعدی در شیراز است.

سفیدرود سفیدرود از رودهای مهم ایران شمالی است. این رود در نزدیکی منجیل از پیوستن رودهای شاهرود و قزل اوزن به یکدیگر تشکیل می‌یابد، و پس از طی حدود ۱۰۰ کیلومتر در حسن کیاده لاهیجان به دریای خزر می‌ریزد. سفیدرود از میان دره‌های تنگ و عمیق کوههای رودبار و رحمت آباد و دشت وسیع رستم آباد می‌گذرد، و در امامزاده هاشم از کوهستان خارج می‌شود، و از سمت مغرب رشت عبور کرده در ناحیه لاهیجان با دلتای نسبتاً وسیعی به دریای خزر می‌ریزد. سیاه‌رود که در ناحیه رودبار جاری است، در طرف شرق در آن می‌ریزد.

آبده سالانه سفیدرود در منجیل حدود چهار هزار میلیون متر مکعب تخمین شده است که سابقاً قسمت مهمی از آن بدون استفاده به دریای خزر می‌ریخت، اما اکنون با ساختن سد سفیدرود که یکی از سدهای بزرگ ایران است، قسمت عمده آب در دریاچه بزرگ آن ذخیره می‌شود و به مصرف کشاورزی می‌رسد.



آرامگاه سعدی در شیراز



سمنان شهر سمنان مرکز شهرستان و فرمانداری کل سمنان است. بر دامنهٔ جبال البرز و حاشیهٔ گویر نمک، در ناحیهٔ تاریخی قومس واقع است. جمعیتش حدود ۲۹۰۰۰ (سرشماری ۱۳۳۵ هجری شمسی) و ارتفاعش از سطح دریا ۱۱۰۰ متر است. در ۲۲۱ کیلومتری شرق تهران واقع است و راه آهن تهران مشهد از یک کیلومتری جنوب آن می‌گذرد. از آب رود گلپار مشروب می‌شود. یک کارخانهٔ نخبابی و یک کارخانهٔ پارچه‌بافی دارد.

سمنان شهرستان سمنان مشتمل است بر بخشهای حومه و سنگسر. جبال البرز از شمال آن می‌گذرد. رود عمده‌اش گلرودبار است. دارای معادن آهن، سرب، روی، و گوگرد است. تاریخ. در افسانه‌ها بنای شهر را به طهمورث پیشدادی نسبت داده‌اند. به هر حال، احتمالاً شهری است بسیار قدیمی در ۴۲۷ هجری قمری ترکان غز صدمات فراوان بر شهر وارد کردند. در حملهٔ مغول، به سال ۶۱۸ هجری قمری، ویران شد، در کاوشهایی که در غار دربند، واقع در ۲۱ کیلومتری شمال سمنان، به عمل آمده آثار جالبی به دست آمده است، از بناهای جالب شهر مسجد جمعه، مسجدشاه، و منار مسجد جمعه است.

سندج شهر سندج، که سابقاً سنه نام داشت، مرکز شهرستان سندج و مرکز استان کردستان است. جمعیتش حدود ۴۰۶۰۰ (سرشماری ۱۳۳۵ هجری شمسی) است. شهر سندج بین رود قشلاق و کوه آویدر قرار دارد. مصنوعات نجاری آن، از قبیل تخته‌های نرد و شطرنج و قوطی سیگار، شهرت محلی دارد. سابقاً شهر از مراکز داد و ستد بود و مازو، کتیرا، و پوست روپاه صادر می‌کرد.

بخشهای شاهو، چهل چشمه، و اورامان در شهرستان سندج واقع است. شبکه رودهای آن جغتو، سیروان، قزل اوزن و قره‌سو است که به ترتیب به دریاچه رضائیه، دجله، بحر خزر، و کرخه می‌ریزند.

مهمترین قبایل کرد سندج قبیلۀ جاف است. مذهب اکثریت سکنه سنی شافعی است، و مشایخ نقشبندیه در میان کردان پیروان فراوان دارند. تاریخ. شهر سندج را سلیمان خان اردلان، والی کردستان، در زمان سلطنت شاه صفی بنا نهاد (۱۰۴۶ هجری قمری) از آثار باستانی سندج می‌توان اتاقی را نام برد که نزدیک روانسر در سنگ کنده شده است. غارهای کرفتو نیز از این لحاظ جالب است. در ۱۹۰۹ میلادی، در غاری

در اورامان تخت، بنجاقهایی به زبان یونانی و پهلوی کشف شد که از قرن اول پیش از میلاد است. سندج لاقلا مدت چهار قرن تحت حکومت والیان موروثی خاندان اردلان بود. در جنگهای ایران و عثمانی در عهد صفویه، والیان سندج فعالیت داشتند، و گاه جانب ایران و گاه جانب عثمانیان را می گرفتند، به هر حال، در دوره صفویه، جز مدتی کوتاه، قدرت خود را حفظ کردند. کریم خان زند در ۱۱۶۴ هجری قمری سندج را ویران کرد. پس از يك دوران آشفتگی، خسرو خان اردلان در سندج مستقر شد (۱۱۶۸-۱۲۰۴ هجری قمری)، و آقامحمدخان قاجار سنقر را نیز به پاس خدمات وی به او واگذاشت، پسرش امان‌اله خان از ۱۲۱۴ تا ۱۲۴۰ حکمرانی کرد و در شهر سندج اصلاحات بسیاری به عمل آورد. خاندان اردلان تا ۱۲۸۴ هجری قمری در سندج حکومت کردند. دولت مرکزی در سال ۱۲۸۴ هجری قمری فرهاد میرزا را به حکومت سندج فرستاد، و او تا ۱۲۹۱ حکومت کرد و امور این منطقه را سامان داد.

سوم شهریور ۱۳۲۰ در سال ۱۹۴۱ میلادی (= ۱۳۲۰ هجری شمسی) وضع متفقین در جنگ جهانی دوم یأس آور بود، و تنها راهی که برای رسانیدن کمک به شوروی به روی آنها باز بود راههای ایران بود. متفقین برای نقض بیطرفی ایران و استفاده مجانی از این راهها و دیگر منابع ایران در صدد بهانه‌جویی بر آمدند. در ۲۸ تیرماه ۱۳۲۰ هجری شمسی (= ۸ ژوئیه ۱۹۴۱) هر يك از دولتین شوروی و انگلستان یادداشتی تسلیم وزارت خارجه ایران کرد. در این یادداشت به خطرات ستون پنجم و آلمانیهای مقیم ایران اشاره شده و اخراج آنها از ایران خواسته شده بود. دومین یادداشت در همین باره در ۲۵ مرداد تسلیم شد. با اینکه ایران بیطرفی خود را تأکید کرد، در ساعت ۴ بعد از نیمه‌شب ۳ شهریور، در حالی که نمایندگان شوروی و انگلستان سومین یادداشت خود را تسلیم کردند، این دو دولت به ایران نیرو فرستادند. ناوگان بریتانیا کشتیهای ایران را در بندر شاهپور بمباران و جمعی را مقتول کردند، و در بندر شاهپور و اهواز و آبادان نیرو پیاده کردند؛ از

راه خانیقین و قصر شیرین نیز شروع به تعرض در داخل خاک ایران کردند. نیروهای شوروی نیز از راه جلفا و ماکو و نقاط دیگر مرزی و سواحل دریای خزر به داخل ایران هجوم آوردند.

وقایعی که پس از حادثه سوم شهریور سریعاً روی داد از این قرار است. در ۵ شهریور دولت منصور استعفا داد و محمد علی فروغی به نخست‌وزیری منصوب شد. دولت جدید به نیروهای ایران دستور ترك مقاومت داد (۶ شهریور)، ۲۵ شهریور رضا شاه از سلطنت استعفا داد و اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی را به جانشینی خود تعیین نمود، و خود با خاندان سلطنتی عازم اصفهان شد. در ۲۶ شهریور نیروهای متجاوز، بر خلاف وعده قبلی، وارد تهران شدند. بعداً پیمان سه‌گانه‌ای میان ایران و انگلستان و شوروی به تصویب مجلس شورای ملی رسید (۶ بهمن ۱۳۲۰)، که در آن دولتین متجاوز تعهد کردند که تمامیت ارضی و حق حاکمیت ایران را محترم شمارند و در طی شش ماه پس از پایان جنگ نیروهای خود را از ایران خارج کنند.

کمکهای ایران به متفقین در سر نوشت جنگ تأثیر حیاتی داشت. راهها و راه آهن و سایر وسایل حمل و نقل و خطوط ارتباطی ایران در اختیار متفقین قرار گرفت. وجود نیروهای بیگانه در ایران وضع اقتصادی کشور را مختل کرد و دورانی آشفته پدید آورد که بعد از پایان جنگ هم ادامه یافت. با آنکه ایران رسماً تحت اشغال نبود، مردم ایران تقسیم کشور را بین روسیه و انگلستان به چشم دیدند. در این گیرودار، دولت شوروی در شهریور ۱۳۲۳ هجری شمسی تقاضای امتیاز نفت در شمال ایران کرد، و این امر نیز بر کشمکشها و تشنجات داخلی افزود. سرانجام قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجیها به تصویب مجلس شورای ملی رسید (۱۱ آذر ۱۳۲۳).

کشور ایران در اتحاد با متفقین گرفتار مصائب شدید اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شد، که حتی تمامیت ارضی آن را به مخاطره انداخت؛ دولت شوروی نیز در اجرای تعهد خود در باب تخلیه ایران کوتاهی کرد.



شاپور اول دومین پادشاه سلسلهٔ ساسانیان شاپور اول است. پس از اردشیر بابکان به جای پدر به تخت شاهنشاهی نشست، و از ۲۴۱ تا

۲۷۲ بعد از میلاد سلطنت کرد. در اواخر عمر پدر در سلطنت با وی شریک بود. شاپور جنگهای پدر را با رومیان ادامه داد و در سوریه پیش رفت، اما در برابر سپاهیان امپراتور گوردیانوس سوم عقب نشست و مغلوب شد. پس از کشته شدن گوردیانوس، فیلیپ عرب پیمان صلحی با شاپور امضا کرد که به موجب آن ارمنستان به ایران واگذار شد. چند سال بعد، هنگامی که امپراتوری روم دچار ضعف شده بود، شاپور حملات خود را از سر گرفت؛ به سوریه لشکر کشید، و انطاکیه را ویران کرد. عاقبت امپراتور والرینانوس به مقابله با وی رفت، اما مغلوب و اسیر شد (۲۶۰). شاپور پس از تاخت و تاز در سوریه و آسیای صغیر عازم ایران شد. در بازگشت، خود و لشکریانش مغلوب آذینه شدند، نصیبین و حران را از دست داد، و حرم سلطنتی او اسیر شد. شاپور دیگر

نتوانست تعرض را از سر گیرد، و حتی ارمنستان را نیز از دست داد.

شاپور اول پادشاهی جنگجو و توانا بود. قلمرو وی چندان وسیعتر از قلمرو پدش نبود، ولی برخلاف پدر، که عنوان شاهنشاه ایران داشت، وی خود را شاهنشاه ایران و انیران، یعنی غیر ایران، می خواند. شهر جندی شاپور را بنا نهاد. به دست اسیران رومی بند قیصر را بر کلون بست. از شهرهای دیگر منسوب به وی شاپور فارس و شاپور خواست است. نقش رستم، نقش رجب، و حاجی آباد از وی به جا مانده است.

از وقایع مهم زمان شاپور ظهور مانی است که شاپور او را تحت حمایت خویش قرار داد. مانی که نقاش ماهری بود ادعای پیغمبری کرد و دین نوی آورد. برای آنکه مردم دستورها و اندیشه‌های او را به آسانی دریابند در کتاب خود، که نامش **ارژنگ** بود، نقاشیهای زیبایی کرده بود. شاپور، برای آنکه دین مانی موجب آشوب در کشور نشود، مانی را از ایران بیرون کرد. اما دین مانی در همهٔ آسیا و اروپا منتشر شد تا بعدها که در مقابل رواج دین مسیح در اروپا و دین اسلام در آسیا، از میان رفت.

والرینانوس امپراتور روم در برابر شاپور اول زانو زده است.





ایرانیان است.

پس از آن شاپور به ارمنستان پرداخت. پادشاه آنجا ارشک سوم را، که هواخواه روم بود، اسیر کرد. سپس اقدام به تحمیل آیین زرتشتی بر ارمنستان کرد، اما بزرگان ارمنستان، با پشتیبانی پنهانی رومیان، بر ضد این اقدام قیام کردند. نزدیک بود که جنگ ایران با روم در گیرد. اما امپراطور روم، با قربانی کردن شاه ارمنستان، از وقوع آن جنگ جلوگیری کرد، و استیلای ایران بر ارمنستان شناخته شد.

شاپور دوم یکی از بزرگترین شاهنشاهان ساسانی است. وی مملکت را توسعه داد، مرزهای شرقی را آرام کرد، و ارمنستان را مطیع ساخت. در هیچ زمانی امپراطوری ایران قدرت زمان او را نداشت. رومیان بی اندازه از وی هراس داشتند. فتوحات شاپور در سرحدات شرقی سبب گسترش فرهنگ و هنر ایران در ترکستان و پیشرفت آن در چین شد. شاپور شهر شوش را، پس از قتل عام مردم آن، از نو بنا نهاد. شهرهای نیشابور و فیروز شاپور (انبار) از بناهای اوست.

نام دیگر شاپور دوم شاپور ابن هرمزد است.

شاپور ذوالاکتاف (۳۱۰-۳۷۹ بعد از میلاد) ذوالاکتاف به معنی «صاحب شانه‌ها» است. این لقب را از این جهت به شاپور دوم، شاهنشاه ساسانی، داده‌اند که وی در جنگ با اعراب شانه‌های اسیران را سوراخ می‌کرد. لفظ ساسانی ذوالاکتاف هوبه سنا به معنی سوراخ‌کننده شانه‌هاست. قولی هم هست که اصل لقب به معنی «چهارشانه» بوده است.

پس از وفات هرمز، بزرگان ایران پسر ارشد او را کشتند، پسر دوم را کور کردند، پسر سوم را به زندان افکندند، و تخت و تاج را برای شاپور دوم که هنوز در شکم مادر بود نامزد کردند، در خردسالی وی، امور کشور به دست مادرش و بزرگان مملکت اداره می‌شد. از وقایع بیست و چند سال اول سلطنت او اطلاع درستی در دست نیست.

پس از گرویدن قسطنطین کبیر به دین مسیح و تبدیل شدن امپراطوری روم به مملکتی مسیحی، مسیحیان در ایران به رومیان گرایش یافتند و با ایرانیان دشمنی نهانی پیدا کردند. بدین جهت شاپور سیاست خشنی نسبت به آنان معمول داشت و مسیحیان را تحت آزار و تعقیب قرار داد، و تنقید آیین زرتشتی را وسیله وحدت بخشیدن به مملکت خود قرار داد.

سیاست خارجی شاپور بر اساس جنگ و توسعه‌طلبی بود. در زمان او ایران و روم اغلب با هم در جنگ بودند، و پیروزی با ایرانیان بود. شاپور پیمان صلحی را که میان نرسی و دیوگلسین بسته شده بود شکست، و جنگی را آغاز کرد که ۲۶ سال به طول انجامید. اگر چه رومیان همواره در جنگ مغلوب می‌شدند، به سبب گرفتاریهای شاپور در مرزهای شرقی، استیلای ایرانیان بر نواحی متصرفی خود چندان دوامی نیافت. عاقبت شاپور پس از آنکه از گرفتاریهای مرزهای شرقی فراغت یافت، دگر بار متوجه روم شد و پس از چند سال جنگ، سرانجام رومیان به پیمان صلح ننگینی تن در دادند که به موجب آن نواحی مرزی واقع بر دجله و نصیبین به ایران واگذار شد و رومیان متعهد شدند که دست ایرانیان را در ارمنستان باز گذارند. حجابیهای نزدیک شهر شاپور شاهد این پیروزی



شورای زنان ایران این عنوان نام جمعیتی است که در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی برای حفظ حیثیت و حقوق اجتماعی زنان ایران، و آشنا ساختن آنان به وظایف خود، توسط عده‌ای زنان روشنفکر تشکیل شد. در آغاز تأسیس نام آن حزب زنان ایران بود، که بعداً در سال ۱۳۲۵ نامش به «شورای زنان ایران» تبدیل شد.

شوش یکی از شهرهای باستانی ایران شهر شوش است که نزدیک ساحل رود کرخه کنونی و مجاور کارون بوده است. شوش پایتخت دولت عیلام و سپس مقرّ عمده داریوش اول هخامنشی و جانشینان او بوده است. آثار این شهر در ۲ کیلومتری غرب ایستگاه راه آهن شوش در خوزستان از مهمترین اماکن باستانی جهان است. در کتیبه‌های میخی و در مآخذ اسلامی شوش به نام شوش آمده است. در همین شهر بود که داریوش فرمان تجدید بنای معبد اورشلیم را داد. و بدین جهت نام آن در تورات نیز شوشن آمده است. گویند که دانیال نبی در همین جا مدفون شده است. شوش از نظر نظامی و اقتصادی موقعیت مناسبی داشته،

شاهنامه حکیم ابولقاسم فردوسی از شاعران نامدار ایران است که حماسه‌ای ملی به زبان فارسی در قرن چهارم هجری قمری سروده است. این حماسه که شامل روایات اساطیری و پهلوانی و تاریخی ایران از عهد کیومرث تا پایان عهد یزدگرد سوم ساسانی است، شاهنامه نام دارد. شاهنامه پرمایه‌ترین دفتر شعر فارسی و مهمترین سند عظمت و فصاحت زبان فارسی است.

داستانهایی که در شاهنامه آمده شرح جنگهای ایرانیان با اقوام تورانی است، که رستم قهرمان آنهاست. گذشته از این داستانها، مطالبی در باب تاریخ ساسانیان در آن آمده است که چیزی است بین تاریخ و افسانه. شاهنامه ابومنصوری، که از ابومنصور محمد ابن عبدالرزاق طوسی به نثر تنظیم شده کتابی است که ظاهراً فردوسی داستانهای شاهنامه منظوم خود را از آن اقتباس کرده است.

فردوسی پس از آنکه ۳۰ سال در تنظیم شاهنامه کوشید، آن را به سلطان محمود غزنوی اهدا کرد. شاهنامه در اصل شامل ۶۰۰۵۰ بیت بوده است، اما اکنون در هیچ یک از نسخه‌های آن تعداد بیتها به ۶۰۰۵۰۰ نمی‌رسد.

زیرا در آنجا دو رود مهم کارون و کرخه به هم نزدیک می‌شوند؛ در زمانهای گذشته این دو رود به وسیله کانالهایی به یکدیگر مرتبط بوده‌اند. کوروش بزرگ شهر شوش را، که به دست آشوربانی‌پال ویران شده بود، تجدید بنا کرد و آن را جایگاه زمستانی خویش قرار داد. در دوره ساسانیان، شاپور دوم شهر را زیر پای فیلان ویران ساخت، و سپس در کنار آن شهر جدیدی بنا کرد و آن را ایرانشهر شاپور نام گذاشت؛ اما این نام بعدها متروک شد و همان نام شوش باقی ماند.

شوش در سال ۱۷ هجری قمری به تصرف اعراب مسلمان درآمد. در دوره اسلامی نیز مدتها از شهرهای پرجمعیت و پر رونق بود. وقتی که مرکز خوزستان به اهواز انتقال یافت، شوش مرکزیت خود را از دست داده رفته رفته رو به زوال گذاشت.

از اوایل قرن نوزدهم، کوشهایی در سرزمین شوش انجام گرفت و اطلاعاتی در باب ویرانه‌های آن به دست آمد. قسمت عمده کوشها به دست باستان‌شناسان فرانسوی صورت گرفته است، و می‌گیرد.

قبر دانیال نبی



شهر سکرده مرکز شهرستان و فرمانداری کل بختیاری و چهار محال شهر کرد است. جمعیتش ۱۵۴۷۶ (سرشماری ۱۳۳۵ هجری شمسی) است. شهر کرد در حدود ۱۲۰ کیلومتری جنوب غربی اصفهان واقع شده است. سابقاً دهکرد نام داشت.

شهرستان شهر کرد مشتمل است بر بخشهای حومه، شواب، و میزدج. رشته‌کوه زردکوه از آن می‌گذرد. زاینده‌رود در آن سرچشمه می‌گیرد. طوایف بختیاری در آن زندگی می‌کنند. سابقاً یکی از بخشهای شهرستان اصفهان بود؛ در ۱۳۳۸ تابع فرمانداری کل بختیاری و چهار محال شد. در جنوب شهر بیشه‌ای قرار دارد که از تفرجگاههای مردم شهر است.

شیخ بهائی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ هجری قمری) محمدابن عزالدین، مشهور به شیخ بهائی، از علمای دین و از دانشمندان ایرانی دوره صفویه بوده است. وی در بعلبک از شهرهای لبنان به دنیا آمد. در کوچکی همراه پدر خود به ایران آمد و در بعضی از شهرهای ایران به تحصیل پرداخت. در دربار شاه عباس اول منصب شیخ الاسلامی و تصدی امور شرعی به وی واگذار شد. به بسیاری از شهرهای ایران و عراق و دمشق و مصر سفر کرد. عاقبت در اصفهان درگذشت و در مشهد در محوطه‌ای میان مسجد گوهرشاد و صحن جدید به خاک سپرده شد.

شیخ بهائی به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. بر بعضی از رشته‌های علوم آگاه بود. در باب علم او بر مسائل مهندسی افسانه‌هایی ساخته‌اند، از جمله گفته‌اند که حمامی ساخته بود که با یک شمع گرم می‌شد. از آثار علمی او خلاصه الحساب است. از آثار مهم دیگرش اینها را می‌توان نام برد: اثبات انوار الاهیة (در فقه)، جامع عباسی (در فقه)، صمدیه (در نحو)، تشریح الافلاک (در هیئت)، و مثنوی شیر و شکر، و نان و حلوا.

طومار شیخ بهائی عنوان سندی است که برای تنظیم تقسیم آب زاینده‌رود اصفهان، در عهد سلطنت شاه طهماسب اول صفوی، به وسیله شیخ بهائی تنظیم شد، و از سال ۹۲۳ هجری قمری فرمان اجرای آن صادر شد.



باغ ارم در شیراز

۱۲ دروازه برگرد شهر بر آورد. در ۷۹۵ هجری قمری تیمور به جلو شهر رسید، ولی شاه منصور آل مظفر بر او تاخت. افاغنه در ۱۱۳۷ هجری قمری شهر را تصرف کردند. کریم خان زند آن را پایتخت قرار داد و عمارت‌های زیبا در آن احداث کرد. بازار وکیل از بناهای معروف اوست.

شیراز محل تولد حافظ، سعدی، قطب‌الدین شیرازی و ملا صدراست. سید علی محمد باب نیز اهل شیراز بود. شهرستان شیراز مشتمل است بر بخش‌های حومه، بیضا، زرقان، سروستان، تل خسروی، و مرودشت. رودهای کر، قره آغاچ، و شش پیر مشروبش می‌کنند. شهرستان شیراز عمدتاً کوهستانی است. رشته کوه بزم فیروز و رشته بَمو از آن می‌گذرند. قلّه باباکوهی، تنگ الله اکبر و گردنه‌های آب باریک و باجگاه جزو این رشته کوه هستند. رشته‌های دیگری هم از شهرستان شیراز می‌گذرد. محصولات عمده شهرستان روغن، پشم، پوست، کتیرا، و تنباکوست. شراب خلار معروف است. از صنایع آن فرشبافی است.

شیراز شهر شیراز مرکز شهرستان شیراز و استان هفتم (فارس) است. جمعیتش حدود ۱۷۰'۷۰۰ (سرشماری ۱۳۳۵ هجری شمسی) و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۵۸۵ متر است. شیراز در فاصله ۹۲۰ کیلومتری تهران و ۳۰۰ کیلومتری خلیج فارس (بندر بوشهر) است. اطراف شیراز را کوه و تپه فرا گرفته است. آب و هوای آن نسبتاً معتدل و فصولش منظم است.

شیراز از مراکز مهم داد و ستد و بازار محصولات قشقایبها و ایلات خمسه فارس است، و مبدأ چند راه شوسه است؛ از شمال با اصفهان و تهران، از شمال شرق به یزد، از شرق به کرمان، و از جنوب به بوشهر مرتبط است. فرودگاه آن مهم است. محصولات ناحیه اطراف آن چغندر، گندم، پنبه، جو، و کتیراست. معروفترین محصولات شراب حاصل از تاکستانهای خلار است. خاتمکاری و نقره کاری آن مشهور است. کارخانه سیمان دارد.

مهمترین تأسیسات جدید شهر شیراز بیمارستان نمازی و دانشگاه پهلوی است. دانشگاه پهلوی در ۱۳۴۱ هجری شمسی تأسیس شد. بناهای مهم تاریخی داخل و اطراف شهر عبارتند از قصر ابو نصر، قلعه بندر، مسجد جامع عتیق، مسجد نو، شاه چراغ، مدرسه خان، آستانه سید علاءالدین حسین، تکیه هفت تن، مسجد وکیل، باغ جهان نما، عمارت کلاه‌فرنگی، و ارگ کریم‌خانی. بازار وکیل، با چهارسوق زیبایش، از بازارهای بزرگ و مشهور ایران است. آرامگاه سعدی و آرامگاه حافظ، که از عهد کریم خان است، از آثار تماشایی این شهر است. در شیراز و اطراف آن باغ‌های بسیار زیبا فراوان است که از جمله آنها باغ ارم، باغ دلگشا، باغ عقیق آباد، و باغ خلیلی است.

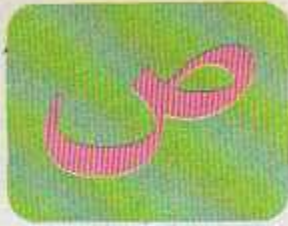
تاریخ شیراز. ناحیه شیراز از قدیم اهمیت داشته و ویرانه‌های تخت جمشید گواه بر این است. شهر شیراز از عهد ساسانیان سابقه دارد، اما شهرت و اعتبارش از دوره بعد از اسلام است. در اواخر خلافت عمر، ابو موسی اشعری و عثمان ابن ابی العاص آن را فتح کردند. محمد ابن قاسم ابن محمد در عهد خلافت ولید ابن عبدالملک شهر را از نو ساخت. صمصام‌الدوله دیلمی بارویی با ۱۱ یا

شیر و خورشید سرخ ایران، جمعیت عنوان سازمان ملی صلیب سرخ در ایران «جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران» است. نخستین هیئت مدیره شیر و خورشید در ۱۳۰۲ هجری شمسی به ریاست سردار سپه (رضا شاه کبیر) تشکیل شد. در ۱۳۲۷ هجری شمسی، اعلیحضرت محمد رضا شاه، شاهنشاه آریامهر، در ضمن تصویب اساسنامه جدید، جمعیت شیر و خورشید سرخ را تحت حمایت عالیّه خود قرار دادند و ریاست عالیّه آن را به والا حضرت شمس پهلوی محول فرمودند. بر طبق اساسنامه جدید، جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران برای مرکزیت دادن به کلیه امور خیریه و کمکهای عمومی ملی و بین المللی تشکیل یافته است و عملیات آن بر اساس موافقتنامهها و مقررات بین المللی است. جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران در مهر ماه ۱۳۴۵ در سراسر کشور ۱۷۹ شعبه داشته است. تشکیلات کنونی این جمعیت مشتمل است بر سازمان امداد، بخش انتقال خون (در اغلب مراکز استانها)، مؤسسههای تربیت پرستار، سازمان جوانان که در حال حاضر بیش از ۹۷۰۰۰ عضو دارد، بیمارستانها، پرورشگاه کودکان و پرورشگاههای حرفه‌ای مرکزهای امدادی و درمانی، بخش خدمات عمومی، و بخش حمایت کودکان.



صائب تبریزی (۱۰۱۶-۱۰۸۱ هجری قمری)

میرزا محمد علی تبریزی معروف به صائب، شاعر نامدار ایرانی، در اصفهان به دنیا آمد. پدرش



از تاجران تبریزی مقیم اصفهان بود. پس از تحصیل و کسب فنون شاعری، مورد علاقه شاه عباس قرار گرفت. در سال ۱۳۰۶ به عزم سفر هند از اصفهان خارج شد و به دعوت ظفرخان مدتی در کابل گذراند. همراه ظفرخان که به قصد تهنیت شاه جهان پادشاه هند به دکن می‌رفت به آنجا شتافت. مدتی بعد به اصفهان بازگشت و تا پایان عمر در همان جا به سر برد. مدتی در کابل و هند به سر برد. شاه عباس دوم او را به لقب ملک الشعرا بی مقتخر کرد. صائب بیشتر به سرودن غزل پرداخته، و مجموعه آثارش قریب ۱۲۰۰۰ بیت است. دیوانی هم به ترکی نویخته است. کلیات صائب سرشار است از پند و اندرز و امثال فراوان. صائب از پیروان سبک معروف به سبک هندی است.

صفویه یکی از سلسله‌های معروف پادشاهان ایران سلسله

صفویه است که حدود ۲۴۰ سال در ایران سلطنت کردند. شاهان این سلسله منسوبند به نام جد بزرگ خویش شیخ صفی‌الدین اردبیلی، که از مشایخ و عرفای مشهور ایران در قرن هفتم هجری است. مشهور است که نژاد و تبار آنها به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد. اما عده‌ای معتقدند که سلاطین صفویه با استفاده از این نسبنامه مجعول می‌خواستند مذهب اثنی عشری را ترویج دهند.

مؤسس این سلسله شاه اسماعیل اول صفوی، و از سلاطین مشهور این سلسله شاه عباس اول صفوی است. نام پادشاهان این سلسله در جدول صفحه بعد آمده است. در زمان شاه سلطان حسین افغانها به ایران حمله کردند و وی سلطنت را به محمود افغان وا گذاشت و خودش به دست اشرف افغان کشته شد. از آن پس دیگر سلطنت رسمی صفویه بر افتاد و چند تنی از صفویان اسماً تا ظهور نادر شاه سلطنت داشتند.

اصرار و اهتمام صفویان، به خصوص شاه اسماعیل و



عباس اول صفوی معروف به شاه عباس بزرگ. یکی از مشهورترین پادشاهان دوره صفوی شاه عباس بزرگ است که در ۹۷۸ هجری قمری در

هرات به دنیا آمد و در ۱۰۴۸ هجری قمری در اشرف مازندران درگذشت. پنجمین پادشاه سلسله صفوی و پسر و جانشین سلطان محمد صفوی بوده است، بیش از چهل سال (۹۹۶-۱۰۳۸ هجری قمری) سلطنت کرد. در دوران کودکی به نام عباس میرزا حاکم خراسان بود. به یاری و حمایت یکی از سرداران قزلباش به نام مرشد قلی خان به قزوین رفت و به سلطنت نشست و پدرش شاه سلطان محمد صفوی از سلطنت برکنار شد و به زندان افتاد.

عباس میرزا پس از آنکه به تخت سلطنت نشست و نام شاه عباس یافت، نخستین کاری که کرد مرشد قلی خان را هلاک کرد و خود را از شر استیلای او رها نید. از طرف دیگر، چون ترکان عثمانی بر قسمت عمده‌ای از ولایات مغرب ایران استیلا یافته بودند و ازبکان نیز بر خراسان دست اندازی می‌کردند، شاه عباس مصلحت دید که نخست با عثمانیها کنار بیاید تا مجال برای دفع ازبکان بیاید. از این رو با عثمانیها پیمان صلح امضا کرد و قسمتهایی از ولایات آذربایجان و شیروان و بنادر دریای خزر و کردستان و لرستان را به آنها وا گذاشت و خود به دفع ازبکان پرداخت و خراسان را از وجود آنها پاک کرد. سپس لشکری مجهز از «غلامان خاصه» و عشایر شاهسون ترتیب داد. آن وقت موقع را مناسب جهت بازگرفتن ولایات متصرفی ایران از ترکان عثمانی یافت. طی جنگهایی تبریز و ایروان و شیروان و سپس تمام آذربایجان و کردستان و بغداد و موصل را به تصرف درآورد. در صلحی که پس از این وقایع انجام گرفت، مقرر شد که دولت عثمانی از دعاوی خویش دست بردارد، و شاه عباس در عوض در هر سال دو بیست بار ابریشم به آن دولت بپردازد. اما چون شرایط صلح انجام نشد، دولت عثمانی لشکر به تبریز و ایروان فرستاد، ولی شکست خورد و دیگر بار بنای تاخت و تاز گذاشت تا در سال ۱۲۰۷

شاه طهماسب در ترویج مذهب تشیع در ایران موجب شد که عثمانیها ازبکان و ترکمانان و دیگر طوایف سنی مجاور ایران را دعوت و تحریک به هجوم به ممالک قزلباش کنند. پاپ و سلاطین اروپا نیز، به سبب دشمنی علنی و مستمری که میان عثمانیها و صفویه وجود داشت، می‌کوشیدند که با ایجاد روابط با صفویه خطری را که از جانب عثمانیها متوجه آنان بود دفع کنند. در جنگ با عثمانیها و ازبکان، شاه اسماعیل و شاه طهماسب به قوای قزلباش متکی بودند، اما خودسری و ستیزه‌جویی قزلباشها موجب شد که شاه عباس اول قوای تازه‌ای به نام شاهسون تشکیل دهد. اما پس از شاه عباس رقابت میان امرای شاهسون و قزلباش و طمع و فساد مقامات دولتی و افراط شاهان صفوی در قتل شاهزادگان و امرا، موجب این شد که دستگاه صفویه سست شود، تا عاقبت افاغنه بر آنان چیره شدند و دولت صفوی بر افتاد.

صفویه، علاوه بر ایجاد یک دولت ملی و مستقل و استقرار روابط سیاسی با دول اروپا، صنایع و فنون و ایجاد ابنیه و آثار تاریخی و راهها و کاروانسراها را تشویق کردند. از جمله آثار معروفی که در اصفهان به جا گذاشته‌اند عمارات و ابنیه‌ای است در شهر اصفهان از قبیل مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله، مدرسه شاه، عمارت چهلستون، پل خواجه، و غیره. (رجوع شود به اسماعیل اول صفوی، عباس اول صفوی.)

نام	دوره سلطنت
اسماعیل اول	۹۰۵ - ۹۳۰ هجری قمری
طهماسب اول	۹۳۰ - ۹۸۴
اسماعیل دوم	۹۸۴ - ۹۸۵
محمد صفوی	۹۸۵ - ۹۹۶
عباس اول	۹۹۶ - ۱۰۳۸
صفی	۱۰۳۸ - ۱۰۵۲
عباس دوم	۱۰۵۲ - ۱۰۷۷
سلیمان اول	۱۰۷۷ - ۱۱۰۵
سلطان حسین	۱۱۰۵ - ۱۱۳۵
طهماسب دوم	۱۱۳۵ - ۱۱۴۴
عباس سوم	۱۱۴۴ - ۱۱۴۸

بمسابقه یافت. در بسط امنیت و ساختن بناها و تعمیر راهها و ایجاد پلها و کاروانسراها اهتمام داشت. نسبت به آرامنه و بازرگانان خارجی رفتاری عاقلانه و دوستانه داشت. با دولتهای اروپایی روابط دوستانه برقرار کرد. سفرایی به اروپا فرستاد. نخستین سفیر انگلیس، و نیز فرستادگان اسپانیا و هلند را به گرمی پذیرفت. از رقابت دولتهای اروپایی در بنادر جنوب ایران استفاده کرد و بندر گهر و (بندر عباس امروزی) و جزیره هرمز را از پرتغالیها باز ستاند.

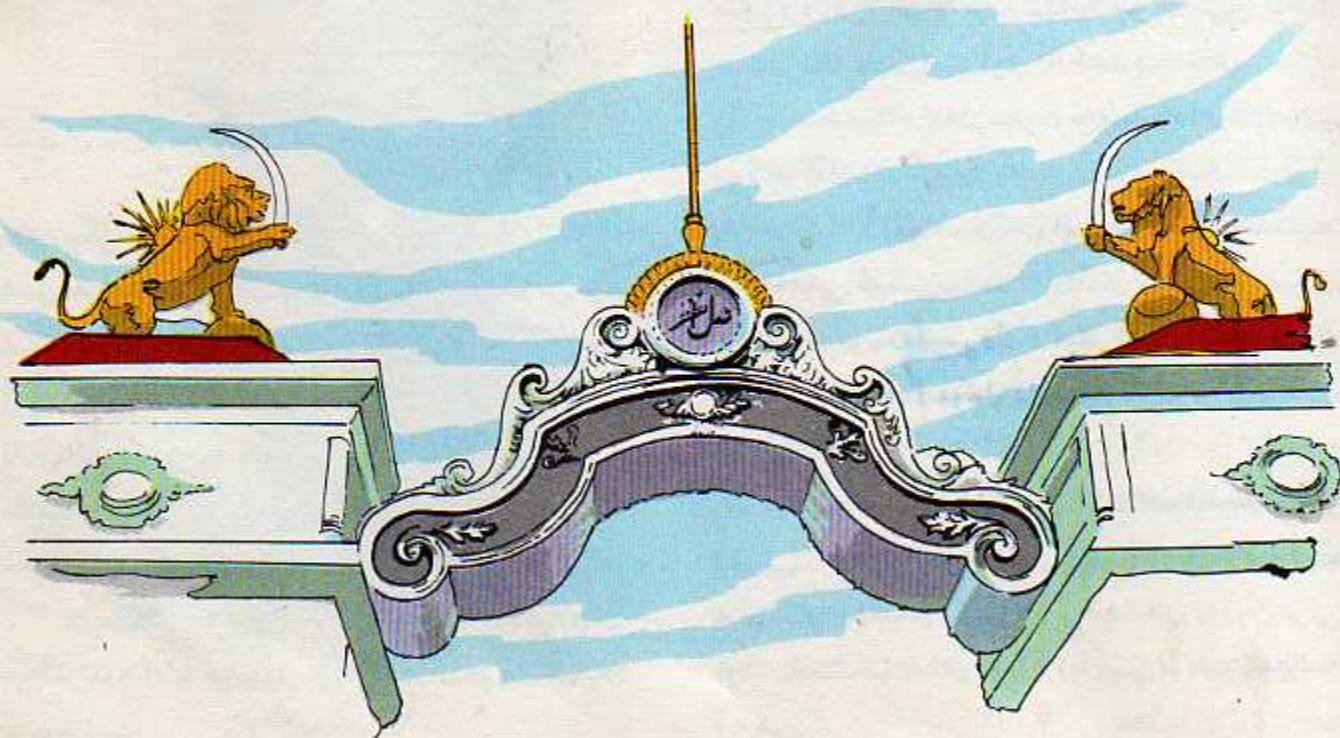
شاه عباس به شعر و نقاشی و موسیقی توجه داشت. و به علما و هنرمندان علاقه می‌ورزید. نسبت به امرا و عمال خویش بسیار دقیق و سختگیر بود. رفتار او نسبت به کسان و فرزندان ظالمانه بود. دو تن از برادران و نیز پسران خود را نابینا کرد.

عدل مظفر فرمان مشروطیت ایران در ۱۳۲۴ هجری قمری توسط مظفرالدین شاه صادر شد. این سال به حساب جمل، یعنی با حروف ابجد، «عدل مظفر» می‌شود. این است که بالای در بزرگ مجلس شورای ملی «عدل مظفر» که سال تأسیس مجلس را نشان می‌دهد، و ضمناً می‌رساند که مظفرالدین شاه قاجار بنیانگذار آن بوده، نصب شده است.



شاه عباس کبیر

هجری قمری که باز معاهده صلح برقرار شد. شاه عباس پادشاهی بود باتدبیر، مقتدر، و با اراده. در دوران سلطنتش ایران، خاصه اصفهان، آبادی و عظمت



حساب جمل این است که اعراب به هر يك از حروف کلمات «ابجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت، ثخذ، ضطغ»، عددی به ترتیب زیر نسبت داده اعداد را با آن حرف نمایش می‌دادند:

۱	۱	ی	۱۰	ق	۱۰۰
۲	۲	ك	۲۰	ر	۲۰۰
۳	۳	ل	۳۰	ش	۳۰۰
۴	۴	م	۴۰	ت	۴۰۰
۵	۵	ن	۵۰	ث	۵۰۰
۶	۶	س	۶۰	خ	۶۰۰
۷	۷	ع	۷۰	ذ	۷۰۰
۸	۸	ف	۸۰	ض	۸۰۰
۹	۹	ص	۹۰	ظ	۹۰۰
		غ	۱۰۰۰		

پس حروف «عدل مظفر» به حساب جمل چنین است:

ع	۷۰
د	۴
ل	۳۰
م	۴۰
ظ	۹۰۰
ف	۸۰
ر	۲۰۰
جمع	۱۳۲۴

که همان سال صدور فرمان مشروطیت است.

عیلام یکی از کشورهای باستانی کشور عیلام است که شامل خوزستان و لرستان و کوه‌های بختیاری کنونی بوده است. حدود این کشور از مغرب رود دجله، از مشرق قسمتی از پارس، از شمال راه بابل به همدان، و از جنوب خلیج فارس تا بوشهر بوده است. مردم عیلام زبان و خط مخصوص داشتند و دین آنان بتپرستی بود. دولت عیلام در حدود ۲۶۰۰ سال پیش از این به دست آشوربانی‌پال منقرض شد. در مالیر بختیاری آثار فراوان از دوره عیلامیان دیده می‌شود که به قرن‌های سیزدهم و دوازدهم قبل از میلاد مربوط است.

غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵ هجری قمری) محمد ابن محمد ابن احمد طوسی مشهور به غزالی از دانشمندان معروف دوره سلجوقی است. وی در طابران



طوس به دنیا آمد. پدرش مردی متعبد بود و بافندگی پیشه داشت، و لقب غزالی به مناسبت پیشه اوست. در کودکی پدرش را از دست داد، و از آن پس در تحت توجه ابو حامد احمد ابن محمد رادکانی قرار گرفت و مقدمات علوم دینی را نزد وی آموخت. پس از مدتی تحصیل در طوس و گرگان، به نیشابور رفت و نزد ابوالمعالی جوینی به تحصیل فقه و کلام و علوم دینی پرداخت. از آنجا به نیشابور رفت و به خدمت خواجه نظام الملک وزیر رسید. پس از آنکه قدر و فضیلت غزالی بر خواجه نظام الملک معلوم شد، نظام الملک تدریس در مدرسه نظامیه بغداد را به وی واگذار کرد.

غزالی چهار سال در مدرسه نظامیه تدریس کرد. آنگاه تحولی در روح وی پدید آمد و از تدریس دست کشید و تدریس را به برادرش احمد واگذار کرد، و خودش در بلاد شام و حجاز به سیر و سیاحت پرداخت. ده سال بعد به طوس بازگشت و یک سال پس از آن بنا به درخواست سلطان سنجر و وزیرش در نظامیه نیشابور به تدریس پرداخت. در سال ۵۰۰ هجری به طوس بازگشت و خانقاهی ترتیب داد و به هدایت و ارشاد مردم مشغول شد؛ و کار تدریس را کنار گذاشت و گوشه‌گیر شد.

غزالی با آنکه از مخالفان فلسفه بود، در نتیجه سفرها و سیاحتی که کرد، مقاله‌ها و گفتارش چاشنی عرفان پیدا کرده مورد تکفیر فقیهان قرار گرفت، و عده‌ای از مردم به آزار وی همت گماشتند. آرامگاه غزالی در طابران (طوس) واقع است.

مهمترین آثار غزالی اینهاست: *کیمیای سعادت* (به فارسی)، *نصیحة الملوك* (به فارسی)، *احیاء علوم الدین* (به عربی)، *تهافت الفلاسفه* (که در رد بر فیلسوفان به زبان عربی نوشته شده است) *جواهر القرآن* (به عربی)، *عقیده اهل السنه* (به عربی).



فرخی یکی از شاعران بزرگ ایرانی ابوالحسن علی فرزند جولوغ، معروف به فرخی سیستانی است، که در قرن پنجم هجری قمری می-

زیسته است. در آغاز در سیستان نزد دهقانی خدمت می-کرد. پس از ازدواج، چون خرجش افزایش یافت، به چغانیان رفت تا به خدمت ابوالمظفر احمد ابن محمد چغانی، امیر چغانیان، برسد.

هنگامی که فرخی به ولایت چغانیان رسید، امیر ابوالمظفر برای داغ کردن کره‌ها به داغگاه رفته بود. فرخی قصیده‌ای را که در مدح امیر سروده بود به خواجه عمید پیشکار امیر عرضه داشت. عمید اسعد که مردی شعرشناس بود، از لباسهای مندرس وی باور نکرد که آن قصیده بسیار عالی را او ساخته باشد. برای آنکه فرخی را امتحان کند به وی گفت که امیر در داغگاه است، قصیده‌ای بساز تا تو را به داغگاه نزد او برم. فرخی همان شب قصیده معروف داغگاه را ساخت، که چنین شروع می‌شود:

«چون پرند نیلگون بر روی پوشد مرغزار

پرنیان هفت رنگ اندر سر آرد کوهسار»

خواجه امیر اسعد که فرخی را شایسته یافت، روز بعد وی را خدمت امیر برد و از او نزد امیر تمجید کرد. امیر فرخی را بنشانند و دستور داد قصیده‌اش را بخواند. فرخی بر پای خاست به آواز بلند دو قصیده خود را برای امیر خواند، و مورد توجه امیر واقع شد. سپس فرخی به دربار محمود غزنوی رفت و در دربار محمود نیز قرب و منزلت فراوان یافت.

فرخی در قصیده‌سرایی چیره‌دست و بیان او بسیار ساده و روان است. سادگی و صراحت لهجه در ابراز احساسات عاشقانه در غالب اشعارش جلوه‌گر است:

مرا دلست گروگان عشق چندین جای

عجیبت ز دل من نیافرید خدای

فرخی در موسیقی نیز مهارت داشته است. در سال ۴۲۹

هجری قمری درگذشت.

فردوسی سخنپرداز بزرگی که داستان ملی و تاریخ ایران را به رشته نظم در آورد فردوسی طوسی نام دارد.

شرح زندگی این شاعر حماسی به درستی روشن نیست و روایتهای مختلف در این باب هست. اطلاعاتی هم که از شاهنامه به دست می‌آید، به علت اختلاف نسخه‌های آن و نبودن يك نسخه صحیح قدیمی که بتوان از کلام خود فردوسی پی به احوال او برد، در دست نیست. مثلاً در خود شاهنامه مکرر از زحمت سی‌ساله و سی و پنجساله فردوسی در تألیف آن کتاب سخن رفته (بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی)، و در چهار مقاله نظامی عروضی صریحاً این مدت بیست و پنج سال ذکر شده است.

به هر حال، آنچه بیشتر گفته می‌شود فردوسی تخلص این شاعر بزرگ است. لقب وی ابوالقاسم بوده اما اسمش به تحقیق معلوم نیست و در کتابهای معاصر به اختلاف وی را حسن و احمد و منصور نامیده‌اند. محل تولدش به یقین در یکی از قراء طوس بوده است. سال تولدش معلوم



حکیم ابوالقاسم فردوسی